



رشد اجتماعی

و وسائل حصول آن در مملکت ما

بقلم دانشمند معظم آقای تقی زاده نماینده محترم

سر نوشت ملت ایران مثل هر ملتی در دست فائدين اوست یعنی بطور کلی ترقی و انحطاط هر قومی و افتادن وی در راه راست و وصول بمقصد یا کج رفتن او و اتلاف وقت و سعی و سرمایه یا اصلا سیر قهقرائی او بسته بمیزان عقل و فهم و علم و اخلاق و شهامت و بی غرضی پیشوایان اوست منتهی در مللی که هم عامه افراد ملت تا حدی تربیت یافته و تعلیم دیده و تجربه سیاسی و اجتماعی پیدا کرده و هم عده پیشوایان بقدری زیاد است که هر عقیده و مسلکی و هر فکری هزاران پیشرو و صد هزاران پیرو دارد انحراف ملت از شاهراه حقیقت و خطا پیمائی اجماع یا اکثریت عظیمه مردان کار و فکر و پیشوایان اجتماع آسان نیست و اجماع امت وائمه یعنی پیشروان و پیروان بر ضلالت و خطا اتفاق است و شاید هم اگر اقلیتی خود پسند بر اکثریت ملت بچیر مسلط نشده و آزادی افکار و گفتار و قلم را فوق العاده محدود

نکرده باشند غیر ممکن است ولی در مملکت ما چون اصلاً قان‌دین با فکر و با عقیده و دانا بمعنی معهود در ملل متمدنه وجود ندارد و با بقدری نادر است که در حکم معدوم است و دسته معدودی از ارباب حل و عقد هم که قوه متفکره ملت شده اند و در واقع فقط نتیجه عقاید و آراء آنها بموقع اجراء گذاشته میشود و یا امکان اجراء دارد در کیفیت و کمیت بغایت گمنام و خبط و اشتباه این جمع در خارج شدن ملت از جاده مستقیم و افتادنش بر راه کج خیلی مؤثر است لہذا هر وطن دوست صادقی باید آرزو کند که همین جمع معدود که حقیقاً یا بناحق عوامل مؤثره در امور اجتماعی مملکت بوده و آراء و افکار آنها حفظ سیر ملت را راست یا کج تواند کرد از عقل و فهم و تفکر و پختگی آراء و عقاید بهره کافی داشته باشند

بد بختانه وسائل پختگی افکار و رشد اجتماعی در این مملکت مفقود است و تا این جهت ممکنست مردم ایران اگر آن وسائل را بدست نیاورند پس از پنجاه سال مشروطیت و زندگی سیاسی و اجتماعی در خامی افکار و عقاید و سادگی خیالات و کم عمقی تفکرات در همانجا بمانند که بودند و هیچ نوع ترقی درین زمینه حاصل نکنند مگر آن اندازه که از تجارب شخصی عمر خودشان حاصل شود.

مهمترین آن وسائل در تمام ممالک دنیا کنابست و ترقی فکری و عقلی ممالک اروپا و آمریکا از داشتن کتب زیاد در هر زمینه بعمل آمده و امروز نیز اداره کنندۀ تمام جریانات فکری و سیاسی و علمی و مذهبی و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و ذوقی در آن ممالک کتب است همه متفکرین و دانایان و عقلای آن ممالک عقاید علمی و اجتماعی

خود را بشکل کتاب نشر میکنند و تفکرات عمیق و عالی آنها که در نتیجه سالیان دراز فکر و تأمل و تعمق و تحقیق و روزگاری تجربه و غور و بحث و کشف حقایق مانند طلای خالص حاصل شده نورا در دسترس تمام افراد ملت خود و تمام افراد ملل دیگر گذاشته میشود و چون ترجمه کتب هر ملتی بزبان هر ملت متمدن دیگری در حکم سیر چائی چین و هند و پنبه آمریکا و چوب سوئد و کره دانمارک و کتندم روسیه و شوره شیلی و الماس ترانسوال و رشته ایتالی و کوسفند استرالی و قالی ایران شده و بدون استثنا هر کتاب مهمی بمجرد انتشار در زبان اصلی خود در زبانهای ملل متمدن دیگر نیز نشر میشود (۱) لهذا امروز افکار و عقاید دنیای متمدن از تأثیر کتب صورت میبندد و امور اجرائی تمام عالم نیز که ما وجود خارجی آنها را مبینیم نتیجه همان خیدالات و عقاید است همه جریانات عظیمه اروپا و آمریکا و عقاید مستولیه آن ممالک را کتب نویسندگان معروف بوجود آورده و این نهضتهای بزرگ جهانگیر که شرق و غرب را مسخر ساخته مخلوق افکار عده ای از متفکرین بزرگ بشری است که در یونان و روم و فرانسه و انگلیس و آلمان و سایر ممالک مغرب زمین در قرون عدیده ظهور کرده اند و مخصوصاً در عهد قدیم در یونان و در قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری در اروپا انقلاب عظیم فرانسه که مطلع نور آزادی عالم بود مخلوق نویسندگان

(۱) یکی از کتب دولستوائی نویسنده معروف روسیه وقتی که در پترسبورک چاپ میشد جزو مجزو ترجمه انگلیسی آن نیز بلندن تلگراف میشد و در آنجا نیز فوراً بطبع میرسید.

عهد لوئی پانزدهم بود که نخم آزادی عقل را پاشیدند مانند هو تسکیو و روسو و لثرو غیره ، اتحاد ژرمنی که بدست بیسمارک انجام گرفت نیز زائیده کتب متفکرین آلمانی نصف اول قرن نوزدهم مسیحی بود . فکرا بردانسیسم در ایطالی ، استقلال آمریکا در آن مملکت ، الغای برده فروشی در انگلیس و آمریکا ، سلیقه آزادی و استقلال شخصی در انگلیس ، عقیده الحکم من غلب در حکومت نظامی پروس ، آئین موزو و عزلت سیاسی در آمریکا و خیالات تفوق نژاد ترك و آرزوی توران بزرگ در تلمبی همه از چند کتاب پیدا شده است و اینک ولوله کبرای سوسیدالیم در ممالک دنیا و حکومت کمونیسیم در روسیه محصول کتب يك بهودی آلمانی است که در يك گوشه ای افکار خود را در تحت نقشه معین و اصول مرتبی بقالب تحریر در آورد .

رشد اجتماعی ملل متمدنه عمده از تأثیر انتشار کتب از يك طرف و استعداد زمنیه اخذ مندرجات آن کتب در عامه بوسیله تعلیم عمومی و تعمیم سواد از طرف دیگر است که باین طریق هر صاحب استعدادی در طبقه باین و هر يك از تربیت شدگان مدارس متوسطه و عالییه از حاصل افکار و تبعات و عقاید و استدالات صاحبان عقول عالییه مطلع شده و در افکار خود یخنه میشود و مثل شخصی میماند که هزاران سال زندگی تجربه کرده و کامل شده است و مانند پیشروان ما محتاج این نخواهد بود که حاصل تفکرات و تجارب قرون عدیده دنیا را کنار گذاشته مثل طفلی که تنها در جزیره ای بزرگ شود هر مطلبی را خود از سر گرفته و بخواهد با فکر و تجربه خود آن را حل کند .

البته در میان ملل متمدنه نشر عقاید و افکار منحصر بکتاب نیست

بلکه گذشته از سایر انواع نوشتجات و وسائل صامت انتقال خیالات از قبیل مجلات مفیده و مقالات جراید و غیره محاضرات و خطابه‌ها و محافل بحث و تئاترها و مخصوصاً سینما و اخیراً بیشتر از همه وسائل شفاهی رادیو نیز خدمت مهمی بتبادل و تداول افکار و معلومات بشری کرده و میکند لکن باز در مقام انصاف و حقیقت گوئی باید گفت که اگر تأثیر همه این وسائل مذکوره را روی هم یک واحد فرض کنیم تأثیر کتب درین زمینه نه برابر آنست یعنی نود درصد باید اثر کتبا را سنجدیده و ده درصد باقی عوامل را من حیث المجموع و این فقره البته درملی که سواد عمومی است چنین است

حاصل مطلب آنکه ترقیات اساسی هرملتی و حصول اصلاحات اصلی و مهم در هر مملکتی کاملاً موقوف بر رشد اجتماعی ملت و راستی و عمق افکار پیشروان آنست و این مقصود نیز حاصل نمیشود جز به تعلیم عمومی، آزادی در اظهار عقاید و افکار در هر زمینه، انتشار کتب مهمه بحد کافی و فراوان و ترجمه کتب مفیده از زبانهای دیگر بزبان بومی

اینست سه اصل اساسی برای نشو و نماي فکری و عقلی ملل و تکامل آن و بدون هر یک ازین سه عامل ملت نه تنها بحد رشد نمیرسد بلکه اگر درجات کمال انسانی را مطابق اصطلاحات شرعیه بیان کنیم بحد بلوغ هم نرسیده حتی میز هم نمیشود، ملت ایران بواسطه ابتلاآت تاریخ اخیر خود ظاهراً در یکی دو فقره از امور اجتماعی مانند تشخیص درستکار

و بی‌فرض از نادانست و مفروض و تنفر از استبداد میز شده است آن هم فقط سکنه بلاد عمده ولی در سایر امور اجتماعی میز نیست و حتی خیانتا وطنی را هم اگر محرك آن گرفتن پول و ترقی در منصب نباشد نمی‌نمید هد و هنوز هم در میان رجال سیاسی بارش و پشم یا بتخت خیانت و خدمت بودن بعضی کارهای معروف و تاریخی بیست سال اخیر که وقوع نظایر آنها در ممالک دیگر موجب لعن و طعن ابدی رقیام ملی میشد نظری است و اگر دخالت منافع نامشروع شخصی در آنها بشود رسیده باشد فی حد ذاته خیر و شرش برای عامه مشکوک است

برای اینکه ملت ایران میز شود با سواد شدن پنجاه درصد از نفوس آن ضروریست و برای اینکه حقیقه بالغ شود علاوه بر انتشار تعلیم عمومی اقلاً وجود ده هزار نفر ایرانی تربیت شده مدارس عالیّه خارجه در مملکت لازم است و برای رسیدن بحد رشد داشتن صد هزار کتاب مطبوع که بیشتر از نصف آن از محصولات دو قرن اخیر باشد بعلاوه وجود اصول آزادی اقل مایقنم و شرط لابد منه است در رسیده کتاب بقدر کافی وجود داشت ولی سواد عمومی و آزادی افکار کافی مفقود بود و بدین جهت مملکت هیچ وقت در راه راست نیفتاد در عثمانی بدبختانه کتاب خیلی کمست و جز قسمتی از رمانهای عشقی و جنائی درجه دوم چیزی از منبع فیض اروپا اخذ نشده آزادی افکار هم وجود نداشته اینست که يك دسته معدودی که يك ده کتاب مخصوص از کتب هزاران متفکرین بزرگ دنیا بدستشان آمده و بمذاقشان موافق شده بیخبر از صدها عقاید فلسفی و اجتماعی دیگر همان اولین گذارا هضم کرده و نقشه مملکتداری خود را از روی کلیات عقاید گوستاو لوبون

فرانسوی و امثال او ترتیب داده بتجربه مجربات اوائل قرن هجدهم مسیحی مشغولند اسپانی و ایطالی ظاهرآ هم کتاب بقدر کافی دارند وهم کتاب خوان لکن تعصب مذهب کاتولیک آزادی افکار را محدود ساخته ونتیجه اش در نقصان رشد اجتماعی و ظهورات عجیبه کاشف از علت مزاج ملی مشهود است

هر نعمت مفقود محسناتش ظاهر میشود وفاقدین خود را حسرت کش خود میسازد ولی نعمت موجود که یا از ابتدا بوده یا مدتی معتدبه از تاریخ بدست آوردن آن گذشته باشد کم کم مجهول القدر و مورد انکار و کفران میشود و مردم قدر آن را چنانکه لازمست ندانند مگر پس از امتحان الهی یعنی بعد از آنکه چندی آن نعمت از دست آنها برود وزمانی در حسرت آن بسربرند و دوباره بازحمت زیاد بدست بیاورند از قدیم هم گفته اند در نعمت در زمان وجود خود مجهولند که یکی صحت و دیگری امنیت است و در موقع مرض و آشوب و ناامنی قدر آنها شناخته میشود آزادی زبان و قلم و فکر و اجتماع و بحث و تحقیق و انقاد نیز یکی از اعظم آن نعمتهای خلقت است ملل متعدد دنیا ابتدا قرنها برای تحصیل این سعادت که مایه سعادت های دیگر است کوشیده و جانفشانی کردند و نوری که از افق یونان و روم قدیم و فرانسه قرن دوازدهم هجری تنق کشید کم کم تمام دنیا را گرفت و طلسم تعصب و استبداد را بتدریج شکست و حتی در ۲۱ سال قبل بمملکت ما هم رسید و بدادن قربانیهای زیاد تاری از طره آن شاهد محبوب جهان بدست ما افتاد لکن این مرغ بهستی را باید پرورانید و نازکشید و شب و روز مراقب دانه و آبش شد که باندک غفلتی میپرد و تا قدر روز روشن وصل آن دلدار را ندانند

رخت بریندد و شب ناریک هجرش خیمه برافکنند اینست که بعضی از ملل که در زمان جنگ از روی اقتضای وقت طوعاً اختیار امور خود را بدست استبداد قهار و مطلق فرماندهان نظامی داده و چند سالی بحکومت نظامی و فرمان برداری از اراده مطلقه صاحبمنصبان لشکری خو گرفتند پس از جنگ دوباره نتوانستند اختیار اداره امور خود را بدست بگیرند و آزادی خود را از دست دادند و مشتی دیگر از قوم خودشان بزور آهن و آتش بر آنها مسلط شده و تحکم نمودند و بجای سلطنت عقل و وزارت زبان و قلم حکومت جبر و پیشکاری شمشیر و توپ برقرار شد

بدون آزادی افکار و قلم و زبان و اجتماع حصول رشد اجتماعی محالست و عقاید سیاسی و اجتماعی و دینی موجوده در میان طبقات ملت از حدیده تحقیق نمیگذرد و بواسطه بحث و احتجاج و استدلال تفتیح و حلاجی نمیشود و لهذا آن ملت مدنی دراز در يك حالت و يك پایه معین از مدارج انسانیت و ترقی میباید و آنان که زور در بازو و زر در کیسه دارند مغز خود را نیز قوی و بر مایه تصور کرده عقاید خود را حق علی الاطلاق و بحث نا پذیر دانسته برهانی قاطع تر از شمشیر فرض نخواهند کرد و بدین طریق حکومت جبری اقلیت بر اکثریت که از بلیات و مفاسد عظیم اجتماعی است پیدا شده و جسم ملت را ناسالم میکند و مانند ماده فاسد بدن معلول آن را مستعد انفجار میسازد مخصوصاً در ملاحظه سطحی ملل عالم نیز این حقیقت روشن بوضوح تام دیده میشود که هر کجا آزادی بیشتر است قوام و نضج رشد ملی بیشتر است در انگلیس و آمریکا و

فراسه ملت قطعاً با رشد تر و کاملتر و پخته تر از آلمان و ایتالی است با آنکه پایه علم در آلمان از مهالك مزبور اگر بلند تر نباشد کمتر نیست و اگر رشد سیاسی و ملی آلمان باندازه علم قدرت صنعتی و فنی و نظامی و اخلاقی او بود شاید تمام روی زمین را اقل با نفوذ معنوی و اقتصادی خود تسخیر میکرد و هیچ وقت مغلوب نمیشد پس میتوان مطلب را بطور کلی این طور بیان کرد که ممیزی ملت با تعلیم عمومی است و بلوغ او با داشتن مایه ای از مردمان تحصیل کرده عالی و مخصوصاً کتب کافی است و رشد کامل او بسته بصرف این دو عامل اساسی در راه سعادت اجتماعی است بواسطه نشر آزاد عقاید و تبادل افکار و کمی سد ها و موانع اجتماعی و سیاسی لکن چنانکه از دیباچه مقاله ظاهر است مقصود اصلی درین جا بیشتر بیان اهمیت دو سرمایه اساسی اولیست یعنی تعلیم عمومی و بالخاصه افکار و مطالب کتبی یعنی کتب و چون اهمیت اساسی و حیاتی تعلیم عمومی را این جانب در مقامات مختلف بیان کرده و عقیده بظاهر افراطی و مبالغه آمیز خود را در اهمیت فوق العاده و ضرورت باعلی درجه آن مکرراً اظهار نموده ام لهذا پس از تکرار این مطالب اساسی که بدون تعلیم عمومی تمام عوامل دیگر در رشد اجتماعی مطلوب کم اثر است میخواهم اندکی در مسئله اهمیت کتاب توقف نمایم.

چون روی سخن در مقالات جراید و مجلات غالباً بهامه است لهذا توضیح اهمیت عظیم کتاب در تعیین خط سیر و سر نوشت ملت نباید بنظر زاید بیاید باین عذر که دانشمندان با اهمیت تأثیر کتاب ملتفتند

اینجانب گمان دارم که عامه ملت ما ازین حقیقت غافلند و چنانکه لازمست باین نکته بر نخورده اند سهلست میترسم جمعی معتمد به از خواص نیز کما ینبغی بکنه ابن فقره پی نبرده باشند علاوه بر اینکه آثار صحت این ارعا در خارج مشهور است و کتاب خواندن حتی در میان تربیت شدگان ایران هم مرسوم و معمول نیست و تمام اوقات شبانروز آنان باندکی کار و بسیاری صحبت و معاشرت میگذرد و درست بر عکس انگلیسان هستند که قسمت قلیلی از اوقات خود را بصحبت و حرف و قسمت غالب را بقرائت کتب و بازیهای ورزشی میگذرانند اصلا کمتر آثار التفات بتأثیر کتب در جریان امور اجتماعی و مملکتی در خطابههای ناطقین و نحریرات نویسندگان ما دیده میشود و شاید غالب خواص نیز غافل ازین باشند که انقلاب مشروطیت در ایران نتیجه چند رساله میرزا ملکم خان و چند کتاب طالبوف و چند کتاب عربی مصری و چند مقاله جراید فارسی خارج از ایران بود بعد از مشروطیت انتشار کتب مهمه کمتر شد و بر عده جرائد و مجلات که تأثیرشان بمیزان فاحش کمتر از کتب است افزود و لهذا روش بیست سال گذشته ما بیشتر نتیجه تجارب شخصی مدت عمر خودمان بوده و باین جهت در يك وادی عجیبی افتابیم که سیر ما را بیشتر بچگانه توان نامید چندی قبل بار اول بود که از یکی از متفکرین ایرانی حرفی شنیدم که مورد تحیر و اعجاب من گردید مشارالیه در ضمن صحبت از کتاب «ترقی و انحطاط و میوها» تألیف داشمند فرانسوی مونتسکیو گفت «افسوس! اگر این کتاب ده سال قبل بزبان فارسی ترجمه و منتشر میشد خیلی از حوادث نامطلوب درین مملکت واقع

نمیشد و جریان امور در خط دیگری میافتاد « اینجانب که از شنیدن این حرف عمیق و باریک بغایت شیفته عقل و کمال و عمق فهم گوینده شده بودم و تعجب ازین میکردم که کسی درین ممالکت باین درجه باین حقیقت بزرگ پی برده باشد یک رفیق دیگر را که حاضر مجلس بود دیدم که از غرات این حرف تعجب زیاد میکرد و این عقیده عجیب را شاذ و مبالغه آمیز مینداشت.

اشخاصی که از عقیده عجیب پان ترکیزم یا پان تورانیزم که از ۲۰ سال باین طرف در عثمانی پدید آمده و بطور تند و مفراطی شیوع یافته و در واقع بقول خودشان شدت « حموی » برانتشار خود کماً و کیفاً میافزود و با حقیقت یک مخلوطی از حمی و جنون افراطی بود اطلاعی دارند شاید آگاه نباشند از اینکه این عقیده عجیب و مضحک لزوم احیای شاهنشاهی چنگیز و تبرئه مغول از هر گونه نقائص و مبالغه در عدد و کالات و مفاخر تاریخی قوم ترک بحد هذبانه که معنی برانکار تمام روایات تاریخ و قلب حقائق مسلمه بود بیشتر ناشی از یک کتاب قصه مانندی بود که یک یهودی فرانسوی آنرا تألیف کرده و در اوائل انقلاب مشروطیت عثمانی بترکی ترجمه شده است اسم کتاب « مقدمه بتاریخ آسیا » و مؤلف آن لئون کاهون (Léon Cahun) نامی است این شخص که در تاریخ مغول مطالعاتی کرده چنان مبالغه در عظمت و علو خیالات و مقاصد چنگیز و مغولهای او و در باب فتوحات و مملکتداری آنان کرده که واقعاً بیشتر بداستانهای رستم و عنتره و هرکول و زیگفرید

شیهه است (۱) عامه بد بخت عثمانی و خواص کم عمق و مفاخر جوی آنها نیز با اعتماد اینکه آقای لئون کاهون از بزرگان علما و فلاسفه و محققین بنام اروپا است در هر موردی بحرف او استشهاد و استدلال کرده و مبالغات او را هضم کردند و بدین طریق عقیده علو نژاد تورانی که « بشهادت همه اروپائیهها و مخصوصاً قاهون شهیر » جزو مسلمات علمی شده بود و ضمناً با احساسات خود پسندی حضرات موافق میآمدمانند امراض وبائی انتشار گرفت و بقفقازیه و ترکستان نیز سرایت کرد واضح است که اگر کتاب مهم و شاهکار دوسون (d'Ohsson) فرانسوی در تاریخ مغول که در باب خود در دنیا بی نظیر است و کتاب سز هنری هورث (Hovorth) انگلیسی که هر دو معتبرترین مآخذ تاریخ مغول است نیز بترکی ترجمه شده بود ملت عثمانی بدام فریب افسانههای کاهون نمی افتاد و لابد آنچه را که دوسون بابتی طرفی محققانه لازمه يك مورخ محیط نوشته میخواند آنجا که گوید « وحشیگریهای این قوم خونخوار بعدی غیر متعارفی و خارج از حیطة تصور است که اگر شهادت اجماعی تمام تواریخ ملل عالم درین باب نبود و همه روایات تاریخی مذابح مختلف با هم مطابقت نمیکرد باوز کردن این درجه از وحشیگری غیر ممکن بود » و در واقع نیز بدون شك از بدو خلقت انسان تا امروز هیچ قومی وحشی تر و خونخوار تر و سبع تر از مغولهای

(۱) اگر چه مؤلف مشار الیه این کتاب را بعنوان يك کتاب تاریخی و علمی نوشته در واقع بواسطه مبالغات حماسه آمیز آن در باب مغول بکتاب دیگر همان مؤلف که بشکل قصه [رمان] و باسم « بیرق آبی » باز در باب سرگذشتهای چنگیزیان تألیف کرده است شیهه شده است

عصر چنگیز و اخلاف او در تاریخ دنیا دیده نشده و فقط اعمال بعضی خویشاوندان نژادی آنها در قرون بعد بیابانه مظلوم مغول نزدیک شده است از آنچه بطور مثال ذکر شده دید میشود که تأثیر کتب در تهیه تخم یک عقیده عامه راسخ و پرشوری که منشأ آثار تاریخی میشود تا چه پایه است و البته این تأثیر بمراتب شدید تر و مخصوصاً وسعت دائره و شدت استیلای آن صد برابر بیشتر میشود وقتی که یک یا چند کتاب از یک مقوله در میان قومی انتشار یابد که کتاب کم داشته باشند و افکارشان باین جهت کاملاً محدود باشد یعنی کتبی که نمایند عقاید دیگر و آراء مخالف است وجود نداشته باشد درین موارد زمینه فکر آن قوم مانند زمین مواتی است که اولین تخمی که در آن بیفتد آنجا ریشه دوآینده و شاخ و شعبه پیدا کند و باندک زمانی تمام آن زمین را استیلا کرده و قلمرو و انحصاری خود میکند و حتی بتخمهای دیگر که بعد افشاندند، شود هم مجال ریشه کردن و غوغا نمیدهد در فرنگ هر شخص متوسطی چندین کتاب راجع بعقاید اجتماعیهون (Socialists) و چندین کتاب راجع بآراء انفرادیهون (Individualists) خوانده، هم کتب ثبوتیهون (Positivists) را دیده و هم مؤلفات معتقدین ماوراء الطبیعه (Métaphysique) را مطالعه کرده، هم چیزی از عقاید بدبینان مانند شوینهاور و نیچه شنیده و هم از خوش بینان مانند روسو و ولتر، هم از عقاید فلسفی قائلین بوحدت موجود [Monisme] مانند هگل و اسپینوزا بهره برده و هم از افکار مخالفین آن که تعدیهون باشد، هم عقاید تکاملیهون (Evolutionists) را غور کرده و هم افکار انقلابیهون (Révolutionists) را، هم کتب عقلیهون [Rationalists] را از نظر گذرانده و هم کتب الهیهون را مانند تولستوئی

و غیره ، هم اوشنجات کرایوتکین عالم معروف آنارشیت را نصف نموده هم تصنیفات پیروان موازین حقوق مسلمة عمومی را و هکذا از هر کدام از عقاید و مسلکها و طریقه های فلسفی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و علمی و ذوقی و مذهبی و غیره چندین کتاب و رساله و مقاله را مرور کرده است و باین طریق خیالات و افکارش در نتیجه تضاد استدالات و تحریک تفکر و تصرف و اجتهاد شخصی قدری نضج گرفته و یخته تر و راسختر شده و آنچه را که پس از تفکر و تأمل در عقاید مختلفه موافق سلیقه خود دیده قبول کرده و از روی فهم و غور بآن عقیده گرویده است لهذا تغییر عقاید مردم در آن ممالک کار آسانی نیست و با استدالات بظاهر فریبنده و قوی زود نلغزند و با محک عقل و میزان منطق جدل و مغالطه و شعر و خطابه را از برهان و قیاس صحیح زود تمیز میدهند لکن در مشرق زمین چون کتاب وجود ندارد و وسعت معلومات کتبی اقوام مشرق بغایت محدود است و غنی ترین آنها مانند عرابی زبانان بقدر صدیک فقیر ترین ملل اروپا درین باب سرمایه ادبی یعنی کتاب ندارند لهذا اولین تخمی که از گلستان معرفت مغرب زمین باین سامان بیفتد در عرض و طول مملکت سرعت ریشه میدواند و یک دو کتاب از نویسندگان بزرگ با قوت استدلال که مخصوص آنهاست ملتی را که آن کتب بزبان آنها ترجمه شده بسخر تواند ساخت و عقیده تازه در پهنای مملکت آنها مستولی میشود چنانکه اثر فعلی این فقره در گرجستان و استیلای عظیم عقیده سوسیالیسم در آن جا دیده شده که در ضمن اولین ترجمه های کتب مهمه جریانات فکری بیش از همه کتب سوسیالیسم ترجمه شده بود حالت ممالک اسلامی شرق بدتر از گرجستان است سید جمال

الدین اسدآبادی معروف بافغانی این مضمون را بیانی خوب چنین گفته که در اروپا بقدری سرو صدا و ولوله زیاد است که اگر شما با تمام قوت خود فریاد کنید ابدأ صدای شما شنیده نمیشود لکن در مشرق زمین بقدری سکون و سکوت مستولی است که اگر مگس صدا کند طنین او از هند تا مراکش سر تا سر می پیچد در واقع هم چنین است، مثلاً اگر شما کتابی از مخالفین خوردن گوشت [végetariens] یا معتقدین بمعالجات طبیعی و روحی [psycho-naturists] مانند مولفورد و دورول و غیره و یا رساله از رسائل یروان علوم مسیحی [Christian Sciences] که منکر مرض هستند و بخیال و تصرف در آن معالجه میکنند بزبان کردی ترجمه و چاپ کنید بعد از ده بیست سال آثار عظیمی از آن عقاید در تمام قوم کرد مشاهده خواهید کرد و گوشت خوردن یا معالجه طبی امراض در کردستان منسوخ خواهد شد اگر کتب تولستوی را بزبان پشتو ترجمه و طبع کنید پس از چندی صفت جنگجویی در افغانها باندازه معتدبه ضعیف میشود و اگر اجازه بدهید عرض میکنم حال زبان فارسی هم چندان بهتر از حال زبان پشتو و کرد نیست بجز آن میتوان گفت که کتب مطبوعه فارسی (باستثنای کتب مکتبی) به پنج هزار کتاب نمیرسد در صورتی که کتب مطبوعه ارمنی قطعاً مضاعف این عدد است تا چه رسد بمطبوعات بلغار و سرب و اگر بنظر بیاوریم که ما هر روز در منابر خطابه و ستون جراید دم از همسری با ملل متمدن بزرگ میزنیم باید برای ما اسباب شرم و ننگ باشد اگر بشنویم که عده کتب مطبوعه در آلمان هر سال بیشتر از سی هزار کتاب است و در ایران (غیر از کتب مکتبی)

شاید منتها صد کتاب .

واقعا غار بزرگی است که در زبان فارسی حق ترجمه کتب معروفترین
نویسندگان دنیا را نداریم . نوشتجات شکسپیر ، ولتر ، روسو ، لافتن ،
شیلر ، گتّه ، هوراس ، و. برزیل ، هوگو ، پوشکین ، برناردین دو سن پیر ،
لامارتین ، دستویوسکی ، بایرن ، داروین ، تولستوی ، کارل مارکس ، اگلس
اوگوست کوزت ، دانوزبو ، گوستا ولبوف ، سپنسر ، هگل ، کانت ،
شوپنهاور ، نیچه ، اسپینوزا ، منتسکیو ، کیبون ، ناکور ، ارسطو ، پلوتارک
دیودور ، پلین ، قنان ، بوفن و حق گزفن یونانی بزبان فارسی ترجمه و
طبع نشده است و یقین است که با این حال که غذای روحانی اکثریت
با سوادان ایران که زبان خارجه کما ینبغی نمیدانند سرگذشت های
شرلوك هولمز و آرسن لوین و قصه معمول جاسوس آلمانی است و حتی
در تاریخ قدیم خود ایران در تمام ایران يك کتابی جز وجیزه آقای
ذکاء الملك و بعضی متفرقات ضعیف و مشکوک مرحوم اعتماد السلطنه
موجود نیست و هنوز سرمایه عمده ما درین باب کتاب سیر جون
مالکوم است و کوروش را کیخسرو مینامیم و کامبوجیا را لهراسب
وگیدومرث را با کاف عربی مینویسیم و زردشت را با حضرت ابراهیم
مطابقه میکنیم ، مالی را نقاشی میدانیم و مزدک را با ضم میم تلفظ
میکنیم از بابت کسب اطلاع بر افکار متفکرین بزرگ دنیای متمدن
چه انتظاری و یا با این سرمایه عقلی و فکری از پیشوایان اصلاح
دربین مملکت چه توقعی بزرگ توان داشت و طرح چه نقشه علمی
برای تشکیل ملت ایران در روی مبنای استوار و رسم خط سیری برای
اصلاحات و ترقی و تمدن و تحصیل سعادت حقیقی و زندگی انسانی

از ایشان امید نوان کرد

پس سخن را باید باز همان جا ختم کرد که استقلال و ترقی و تمدن و سعادت ملت ایران و خلاصی او ازین مذات جسمانی و روحانی و اقتصادی و عقلی و نفسی و ازین زندگی نباتی جز با رشد اجتماعی او حصول پذیر نیست و رشد اجتماعی ملتی ممکن نیست جز با وجود عده کافی کتب از حصول افکار همه متفکرین و ارباب استعداد نوع بشر و

آزادی افکار و اظهار آراء و پیش از همه انتشار تعلیم عمومی

۱۵ آبانماه ۱۳۰۶

حسن تقی زاده

گوئی بزنی!

چه خوش گفت با کودک آموزگار که کاری نکردی و شد روزگار
 دروغا که بگذشت عمر عزیز بخواید گذشت این دم چند نیز
 جوانا ره طاعت امروز گیر که فردا جوانی نیاید ز پیر
 فراغ دلت هست و نیروی تن چو میدان بدست است گوئی بزنی

سعدی